



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

سخن چینی از منظر آیات و روایات

استاد راهنما

سر کارخانم داوودی

استاد داور

پژوهشگر

مهری حیدریان

بهار ۱۳۹۲

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع :

که توسط پژوهشگر محترم سرکار خانم: مهری حیدریان

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است ، توسط هیأت داوران مورد

ارزیابی قرار گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹۰ ، با کسب رتبه
.....

پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم داوودی

استاد داور:

مدرسه علمیه:

امضاء مدیر ومهر مدرسه



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

سخن چینی از منظر آیات و روایات

استاد راهنما

سر کارخانم داوودی

استاد داور

پژوهشگر

مهری حیدریان

بهار ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و تشکر

«من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»

سپاس می‌گویم خداوند بزرگی را که همیشه از این بنده کوچک دست‌گیری کرده، و از او مسئلت دارم که در بین هزاران بیراهه، گام بر داشتن در راه حق و حقیقت را نصیب ما گرداند.

در ابتدا از زحمات شبانه روزی و دلسوزانه موسس محترم حوزه علمیه نرجس خاتون (علیه السلام) حضرت آیت الله ناصری (دامت برکاته) کمال تقدیر و تشکر را دارم.

در ادامه از راهنمایی‌های سرکار خانم ناصری، مدیریت حوزه، خانم زمانی معاون پژوهش و خانم داوودی استاد راهنمای این پایان نامه سپاس و قدردانی می‌نمایم.

و در پایان از زحمات و فداکاری‌های عاشقانه خانواده عزیزم به خصوص همسر گرامی‌ام که در طول این سالها با بزرگواری تمام، شرایط رشد و پیشرفت بنده‌ی حقیر را فراهم نموده، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

تقدیم به:

ساحت مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، آقا و مولایی که بزرگوارانه درب خانه‌اش را به
رویم گشود، و توفیق خاص سربازی‌اش را نصیبم فرمود.

و هم چنین تقدیم به امام علی (علیه السلام) اولین شهید محراب عشق و عروج و به امام
حسین (علیه السلام) اولین فدایی این معراج با شکوه.

چکیده

امروزه یکی از مشکلات و معضلات خانواده ها در جامعه ی ما تفرقه و عدم محبت به یکدیگر می باشد. متأسفانه بسیاری از افراد از روی غرض و منظور یا از روی جهل و پرگویی زمینه ی این تفرقه و جدایی را بین افراد فراهم ساخته اند. پس لازم است تا حقیقت سخن چینی، عوامل و اثرات سوء آن شناخته شده تا راه هایی برای درمان این بیماری روانی به دست آید.

سخن چینی یکی از موانع سیر انسان به سوی خداست و از گناهان کبیره است که مهم ترین زمینه های ایجاد این امر احساس حقارت، نفاق و دورویی، حسادت، پرگویی و هرزه گویی، و ... می باشد. و از آنجائی که نمائی و سخن چینی یکی از بیماری های اخلاقی بوده و از زشت ترین اعمال به کار می رود، مفساد و زیان های خانمان سوز و مهلکی به دنبال دارد، پیامدهای شوم این صفت رذیله بسیار گسترده است و به دو بخش دنیوی و اخروی قابل تقسیم است که بعضی پیامدهای دنیوی؛ (عدم استجابت دعا، اختلاف و دشمنی و ...) و پیامدهای اخروی (عذاب قبر، مسخ در محشر، عدم ورود به بهشت و ...) می باشد.

همچنین از کلام وحی و فرامین معصومین (علیهم السلام) استفاده می شود که برخی علمی (تفکر در آیات و روایات و تدبر در عاقبت) و برخی عملی هستند و راهکارهای عملی نیز بعضی مانند تقویت ایمان و پرداختن به عیوب خود توسط خود سخن چین باید انجام شود و بعضی مانند عدم تصدیق سخن چین و عکس العمل منفی و ... توسط مخاطبین سخن چین باید انجام شود تا کمکی باشد برای درمان این رذیله.

کلید واژه: سخن چینی، نمایی، سعایت.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
-------	------

مقدمه	۱
-------	---

بخش اول: کلیات و مفاهیم

فصل اول: کلیات تحقیق

۱.۱. تعریف و تبیین موضوع	۴
۱.۲. اهمیت و ضرورت تحقیق	۴
۱.۳. اهداف و فوائد تحقیق	۵
۱.۴. پیشینه موضوع تحقیق	۵
۱.۵. سوالات تحقیق	۶
۱.۶. فرضیه تحقیق	۶
۱.۷. روش تحقیق	۷
۱.۸. ساختار تحقیق	۷
۱.۹. واژگان کلیدی	۷
۱.۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق	۸

فصل دوم: مفهوم شناسی

- ۱.۱. مفهوم شناسی واژه نمایی ۱۰
- ۲.۱.۱. معنای لغوی نمایی ۱۰
- ۲.۱.۲. معنای اصطلاحی نمایی ۱۱
- ۲.۲. مترادفات واژه نمایی و سخن چینی ۱۳

بخش دوم: ادبیات تحقیق

فصل اول: عوامل نمایی و سخن چینی

- ۱.۱. احساس حقارت ۱۸
- ۱.۲. نفاق و دورویی ۲۱
- ۱.۳. حسادت ۲۳
- ۱.۴. پرگویی و هرزه گویی ۲۴
- ۱.۵. دشمنی و کینه ۲۷
- ۱.۶. شوخی و تفریح ۲۸

فصل دوم: پیامدهای نمایی و سخن چینی

- ۲.۱. پیامدهای دنیوی ۳۱
- ۲.۱.۱. عدم استجابت دعا ۳۱

۳۳	۲.۱.۲. قطع رحم
۳۵	۲.۱.۳. گسستن پیوند دوستی
۳۶	۲.۱.۴. اختلاف و دشمنی
۳۷	۲.۱.۵. فتنه
۳۸	۲.۱.۶. رسوایی
۳۹	۲.۱.۷. سلب اعتماد از وی
۴۰	۲.۲. پیامدهای اخروی
۴۰	۲.۲.۱. عذاب قبر
۴۱	۲.۲.۲. عدم ورود به بهشت
۴۲	۲.۲.۳. مسخ در محشر
۴۳	۲.۲.۴. دوری از رحمت الهی
۴۴	۲.۲.۵. عذاب آخرت

فصل سوم: راهکارهای درمان سخن چینی

۴۸	۳.۱. راهکارهای علمی
۴۸	۳.۱.۱. تفکر در آیات و روایت
۴۹	۳.۱.۲. تدبیر در عاقبت

۳.۲. راهکار های عملی	۵۰
۳.۲.۱. توسط فرد سخن چین	۵۰
۳.۲.۱.۱. تقویت ایمان	۵۰
۳.۲.۱.۲. پرداختن به عیوب خود	۵۱
۳.۲.۱.۳. تلاوت قرآن	۵۲
۳.۲.۱.۴. تمرین سکوت	۵۳
۳.۲.۱.۵. عیب پوشی	۵۵
۳.۲.۲. توسط مخاطب	۵۶
۳.۲.۲.۱. عدم تصدیق سخن چین	۵۶
۳.۲.۲.۲. عکس العمل منفی	۵۸
۳.۲.۲.۳. نهی از منکر سخن چین	۶۰
۳.۲.۲.۴. عدم دوستی با سخن چین	۶۱
۳.۲.۲.۵. عدم تجسس در اعمال برادر دینی	۶۳
۳.۲.۲.۶. عدم گمان بد با شنیدن گفتار سخن چین	۶۳
نتیجه گیری	۸۰
منابع و مأخذ	۸۱

مقدمه

یکی از مشکلاتی که انسان از اوّل خلقت تاکنون گرفتار آن بوده است و غالباً همراه انسان است و به صورت نامحسوس، در بسیاری از انگیزه ها و رفتارهای او تأثیر می گذارد نامی است که پیامدهای دنیوی و اخروی را در پی خواهد داشت.

حال باید بدانیم نامی و سخن چینی به عنوان یکی از بزرگ ترین رذایل به چه معناست. سخن چینی، یعنی انتقال سخن از عده ای به عده دیگر به قصد فتنه انگیزی و دوبه هم زنی، یا انتقال عمل خطا و ناصواب از شخصی به شخص دیگر است.

همچنین سخن چینی به این معنا است که سخن کسی را به دیگری بگویند و موجب اختلاف آن دو گروه گردد و یا راز شخصی را افشاء کردن است. بنابراین حقیقت سخن چینی همان افشاء سر و پرده دری است.

بنابراین برای اینکه انسان بتواند از آن دور بماند یا آن را درمان کند، لازم است حقیقت سخن چینی و پیامدهای آن را بشناسد. که اگر درون کسی این رذیله باشد هیچگاه به کمال حقیقی نائل نمی شود.

که یکی از راههای دوری از آن تفکر در خود و همچنین تفکر در عظمت خداوند متعال است. این نوشتار از دو بخش، بخش کلیات و مفاهیم، و علل و پیامدهای آن نوشته شده است.

بخش اول: کلیات و مفاهیم

فصل اول: کلیات تحقیق

فصل دوم: مفهوم شناسی

بخش اول: فصل اول

فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱.۱. تعریف و تبیین موضوع
- ۱.۲. اهمیت و ضرورت تحقیق
- ۱.۳. اهداف و فواید تحقیق
- ۱.۴. پیشینه موضوع تحقیق
- ۱.۵. سوالات تحقیق
- ۱.۶. فرضیه تحقیق
- ۱.۷. روش تحقیق
- ۱.۸. ساختار تحقیق
- ۱.۹. کلید واژه ها
- ۱.۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق

۱۰۱. تعریف و تبیین موضوع

زبان و تکلم انسان یکی از بزرگ ترین مواهب الهی است و نکته قابل توجه و تذکر این است که در کنار هر نعمت بزرگی خطر بزرگی قرار دارد. چنانچه در کنار نعمت بزرگ زبان و بیان، معصیت های بزرگی از طریق این عضو کوچک انجام می شود از جمله این آفت ها، نمایی و سخن چینی است که در کتاب های اخلاقی مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است. زیرا سخن چینی هم خیانت به گفته ها و اسرار مردم است که آن را فاش می کنند و هم اذیت مسلمانان که حتی موجب انگیزه ی روح بدبینی و دشمنی بین مسلمانان می شود و هم غیبت محسوب می شود.

بنابراین چرایی این اتصاف و چگونگی ابتلاء به این رذیله ی اخلاقی و رهایی از آن از جمله مسائل قابل تأمل است و بررسی تفسیری، روایی و اخلاقی نمایی در قالب جمع آوری مطالب در یک مجموعه منسجم و دسته بندی شده مخاطب را برای دستیابی به تعریفی مشخص از موضوع یاری می کند و باعث ایجاد انگیزه مطالعه موضوع و به کارگیری مطالب تحقیق در مخاطب می شود و راهی فراسوی اجرای قوانین الهی به روی مخاطب گشوده می شود.

باید توجه داشت مخاطب این تحقیق گروه خاصی نمی باشد، بلکه هر انسان طالب حرکت و رشد می تواند مخاطب این تحقیق باشد.

۱۰۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به این که سخن چینی یکی از رذایل اخلاقی و از بزرگ ترین گناهان کبیره زبان است که آیات و روایات متعددی به مذمت آن پرداخته شده است خود بیانگر ضرورت و اهمیت این مسئله است و از آن جا که ریشه ی بسیاری از اختلافات و بی مهری های جامعه و خانواده ها در سخن چینی می

باشد پس شناخت سخن چینی و عوامل زمینه ساز آن و پیامدها و راهکارهای درمان آن ضروری به نظر می رسد.

ایجاد شناخت نسبت به این موضوع که مورد تأکید آیات و روایات می باشد یکی از ضروریات این تحقیق است با تأثیری که این گناه بر انسان و جامعه می گذارد و شناخت گناه تمامی و سخن چینی که انسان انجام می دهد گاهی از روی غرض و گاهی از روی غفلت از انجام این گناه و غفلت از عواقب آن می باشد و شناخت و آگاهی بر این گناه و عواقب آن شاید انسان را به سوی راه اصلاح نفس خود سریع و تسهیل کند.

۱.۳. اهداف و فوائد تحقیق

۱. شناخت حقیقت سخن چینی از دیدگاه آیات و روایات

۲. استخراج عوامل سخن چینی از دیدگاه آیات و روایات

۳. شناخت پیامدهای دنیوی و اخروی سخن چینی

۴. معرفی راهکارهای علمی و عملی برای درمان آن.

۱.۴. پیشینه موضوع تحقیق

در رابطه با موضوع مورد نظر که سخن چینی از منظر آیات و روایات می باشد. آیات و روایاتی در مذمت و نکوهش، پیامدها و راههای آن بیان شده و کتاب های اخلاقی و روایی بسیاری در مورد آن به نگارش درآمده است از جمله اخلاق اسلامی، که توضیح مختصری در مورد علل تمامی داده شده

بود. کتاب نقش زبان در سرنوشت انسان، که به تعریف مختصری سخن چینی و ذکر چند مورد از پیامدهای آن پرداخته بود. کتاب اخلاق، تألیف عبدالله شبر، که فقط به ذکر روایات بسنده کرده بودند. و کتبی که به صورت منسجم و دسته بندی شده در مورد موضوع مورد نظر بحث کرده باشد یافت نشد.

۱.۵. سوالات تحقیق

سوالات اصلی:

رویکرد آیات و روایات در مورد سخن چینی چیست؟

سوالات فرعی:

۱. عوامل و انگیزه های سخن چینی چه می باشد؟

۲. سخن چینی چه پیامدهای را به دنبال دارد؟

۳. راهکارهای درمان سخن چینی چیست؟

۱.۶. فرضیه تحقیق

یکی از گناهان زبان سخن چینی است و این عمل دارای عللی می باشد و پیامدهای دنیوی و اخروی را به دنبال دارد.

۱۰۷. روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش کتابخانه ای می باشد.

۱۰۸. ساختار تحقیق

پژوهش حاضر از مقدمه، دو بخش و یک نتیجه گیری تشکیل شده است. در بخش اول: کلیات بحث، مطرح شده که شامل دو فصل است. فصل اول کلیات طرح تحقیق و فصل دوم مفهوم شناسی واژه سخن چینی و مترادف های آن می باشد. و در بخش دوم: به سه فصل: علل سخن چینی و نمایی و پیامدهای سخن چینی و نمایی، راهکارهای درمان آن پرداخته است.

۱۰۹. واژگان کلیدی

سخن چینی: سخن چینی، یعنی انتقال سخن از عده ای به عده دیگر به قصد فتنه انگیزی و دوبه هم زنی.

سعایت: بدترین انواع نیمه، سعایت است سعایت همان سخن چینی است با یک خصوصیت اضافه، و آن سخن چینی نزد حکام و سلاطین و یا هر فرد قدرتمند است که توان هرگونه آسیب و خطر را نسبت به طرف سخن دارد.

نمایی: نیمه کشف آن راز است که فاش شدنش از نظر صاحب سخن بد باشد یا از نظر آن که درباره ی او گفته شده و برایش نقل می کند یا از نظر شخص ثالث باشد و خواه آن کشف به گفتار باشد یا به نوشتن یا رمز یا اشاره و خواه آنچه نقل شود از کردار یا از گفتار، عیب و نقص باشد یا نباشد اثر سوئی به بار می آورد، بلکه هرچه از حال مردم دیده می شود و شایعه است از آن دم نزند.

مگر آن چه که نقل آن برای مسلمانی سودمند باشد یا گناهی با آن باشد یا گناهی با آن بشود. چنانچه اگر ببینید کسی مال خود را جایی پنهان کرد نقل آن برای دیگری نیمه و کشف راز است و اگر نقل مشتمل بر ذکر نقص یا عیب صاحب راز باشد غیبت نیز هست.

۱۰۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق

این تحقیق به نوبه خود مانند تحقیق های دیگر با مشکلات و موانعی رو به رو بوده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. کمبود منابع معتبر در زمینه موضوع تحقیق
۲. منسجم نبودن منابع موجود در زمینه تحقیق
۳. قوانین و محدودیت کتابخانه ای مانند: ممنوعیت استفاده از کتاب در خارج از سالن کتابخانه، یا ندادن بیش از چند جلد از کتاب در هر روز به مراجعه کننده، که با توجه به مسافت زیاد کتابخانه تا محل سکونت، مشقات زیادی را در پی داشت.

بخش اول: فصل دوم

فصل دوم: مفاهیم

۱.۱. مفهوم شناسی واژه نمایی

۲.۱.۱. معنای لغوی نمایی

۲.۱.۲. معنای اصطلاحی نمایی

۲.۲. مترادفات واژه نمایی و سخن چینی

۱.۱. مفهوم شناسی واژه نَمّامی

از آن جا که برای شناخت هر رذیله ای باید اول مفهوم آن را دانست در این نوشتار نیز، در ابتدا توضیحی در مورد مفهوم نَمّامی داده می شود و بعد از آن به علل و عوامل، پیامدهای آن و راههای علاج آن اشاره می شود.

۲.۱.۱. معنای لغوی نَمّامی

النَّمُّ: سخن چینی کردن و سخن گفتن برای اختلاف.^۱ و یا نَمٌّ: تهمت، افترا، بدنامی را گویند.^۲ نیمم و نیممه اسم است از آن و در آیه ی قرآن که آمده است: «وَلَا تَطْعُمْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ * هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ؛ اطاعت نکن از هر قسم خوار پست که عیبجو و بسیار سخن چین است.» «مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ» به معنی (سخن چینی کرد) است این کلمه یک بار بیشتر در قرآن مجید نیامده است.^۳

بعضی دیگر از لغویون «نَمٌّ» را اظهار امری که در او فساد باشد معنا کرده اند و نیممه را چیزی که ظاهر می شود از کلام یا امری که در او فساد است می دانند.^۴

لسان العرب «نَمٌّ» را به معنای «دوبهم زنی» فریب دادن و بالا بردن سخن به منظور فساد و فتنه انگیزی معنا کرده و به نقل از ابن عباس می گوید: «معنای نَمّام در کلام عرب آب است که سخنان را

۱ - حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۰۰.

۲ - لويس معلوف، فرهنگ بزرگ جامع نوین، احمد سیاح، ج ۲، چاپ هفتم، تهران: اسلام، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰۳.

۳ - علی اکبر قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۷، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲، ص ۱۱۵.

۴ - محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، علی هلالی و علی سیری، ج ۵، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۸۴.

نزد خود نگه دارد و در روایات به طور مکرر نیمه ذکر شده است که همان سخن گروهی به گروه دیگر به منظور شرّ و فتنه انگیزی است.^۱

و به طور کلی می توان گفت «نمّام» یعنی کسی که عوض اینکه بین مومنین ایجاد علاقه و الفت و محبت کرده و اتحادشان را محکم سازد نفرت و تفرقه و دشمنی ایجاد می کند.^۲ و کسی که در میان گروهی حضور دارد و سخن آن ها را می شنود و آن را در جای دیگر علیه آن ها بیان می کند.^۳

۲.۱.۲. معنای اصطلاحی نمّامی

سخن چینی در اصطلاح علم اخلاق، یعنی انتقال سخن از عده ای به عده دیگر به قصد فتنه انگیزی و دوبه هم زنی، یا انتقال عمل خطا و ناصواب از شخصی به شخص دیگر است.^۴

همچنین سخن چینی به این معنا است که سخن کسی را به دیگری بگوید و موجب اختلاف آن دو گروه گردد و یا راز شخصی را افشاء کردن است.^۵ بنابراین حقیقت سخن چینی همان افشاء سر و پرده دری است.^۶

شهید ثانی در کشف الریبه می فرماید:

«نیمه کشف آن راز است که فاش شدنش از نظر صاحب سخن بد باشد یا از نظر آن که درباره ی او گفته شده و برایش نقل می کند یا از نظر شخص ثالث باشد و خواه آن کشف به گفتار باشد یا به نوشتن یا رمز یا اشاره و خواه آنچه نقل شود از کردار یا از گفتار، عیب و نقص باشد یا نباشد

۱ - محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، قم: نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳، ص ۲۹۵.

۲ - علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۷، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۱۱۴.

۳ - مبارک بن محمد ابن اثیر جذری، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، محمود محمد طناحی، ج ۴، چاپ چهارم، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷، ص ۱۱.

۴ - محمد نوروزی، آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۶۷.

۵ - محمد معین، معین، ج ۴، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، بی تا، ص ۱۸۴۳.

۶ - عبدالله شبر، اخلاق، محمدرضا جباران، چاپ هشتم، قم: هجرت، ۱۳۸۱، ص ۲۴۳.

اثر سوئی به بار می آورد، بلکه هرچه از حال مردم دیده می شود و شایعه است از آن دم نزنند. مگر آن چه که نقل آن برای مسلمانی سودمند باشد یا گناهی با آن باشد یا گناهی با آن بشود. چنانچه اگر ببینید کسی مال خود را جایی پنهان کرد نقل آن برای دیگری نیمه و کشف راز است و اگر نقل مشتمل بر ذکر نقص یا عیب صاحب راز باشد غیبت نیز هست»^۱

شیخ انصاری در مکاسب می فرماید:

«نیمه در قرآن و سنت و اجماع و عقل حرام و از گناهان کبیره است و آن نقل سخنی است که کسی درباره شخصی گفته، پس شنونده برای آن شخص خبر ببرد و برایش نقل کند.» و نیز فرمود: «هرگاه صاحب سخن راضی نباشد که گفتارش را به آن شخص برساند علاوه بر نیمه غیبت نیز می باشد و مستحق عقوبت آن نیز می باشد و هرچه مفسده نیمه بیشتر باشد عقوبتش نیز زیادتیر است.»^۲

ملاحسن فیض کاشانی می فرماید:

«حقیقت نیمه، آشکار ساختن و پرده برداشتن از چیزهایی است که شخص آشکار شدنش را نمی پسندد، بلکه بر آدمی لازم است، از گفتن تمام حالات مردم که می بیند و آنان از افشای آن ها کراهت دارند خودداری کند، مگر نقل کردنش برای مسلمانی سودمند افتد، یا با نقل آن مانع از گناهی شود.»^۳

۱ - عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۸.

۲ - محسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۵، قم: سرور، ۱۳۴۲، ص ۱۵۴.

۳ - محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، المحجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء فارسی، راه روشن، ترجمه صادق عارف، ج ۵، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، ص ۲۷۷.

بنابراین سخن چینی همان فاش کردن راز و پرده دری است؛ خواه فاش کردن به گفتار باشد، یا به نوشتن و یا به رمز و اشاره، و خواه آن چه نقل شده از اعمال باشد، یا از اقوال و خواه بر کسی که از او نقل می کند عیب و نقص باشد یا نباشد.

۲.۲. مترادفات واژه نمایی و سخن چینی

سعايت: بدترین انواع نیمه، سعايت است سعايت همان سخن چینی است با یک خصوصیت اضافه، و آن سخن چینی نزد حکام و سلاطین و یا هر فرد قدرتمند است که توان هرگونه آسیب و خطر را نسبت به طرف سخن دارد.

این واژه به طوری که از مصادر لغت شناسی و موارد استعمال آن در قرآن مجید استفاده می شود به معنای تلاش و کوشش در خرابکاری و افساد و تحریک بر دشمنی و تیره کردن روابط افراد و گروه ها است تا سر حد قتل و نیز ضدیت علیه دین و آیات الهی.^۱

مثلاً نیز به سعايت معنا شده و در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که: «مَثَلُ النَّاسِ الْمَثَلُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْمَثَلُ قَالَ الَّذِي يَسْعَى بِأَخِيهِ إِلَى السُّلْطَانِ فَيُهْلِكُ نَفْسَهُ وَيُهْلِكُ أَخَاهُ وَ يُهْلِكُ السُّلْطَانَ»^۲ بدترین مردم مثلث است. گفته شد: ای رسول خدا! مثلث کیست؟ کسی که در حق برادر دینی خود نزد سلطان فتنه جویی کند و در نتیجه خود و برادرش و سلطان را به هلاکت می اندازد.»

۱ - لويس معلوف، همان، ج ۱، ص ۸۴۹.

۲ - حسين بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۲۵.

مِشَاء: در اصل به معنای راه رفتن با اراده است و گاهی از آن سخن چینی اراده شود مثل: «هَمَّازٌ مِشَاءٌ

بِنَمِيمٍ»^۱ عیبجو و سخن چین است.^۲

به معنای کسی است که به قصد فتنه انگیزی و دو به هم زنی سخن عده ای را برای عده ای دیگر بازگو کند.^۳

قَس: در لغت به معنی سخن چین آمده است.^۴ و به عالمان نصاری قسیس گفته شده چون کلام حق را برای مردم افشاء می کنند.

قَنَات: قنات کسی است که استراق سمع می کند و سپس شنیده ها را در جای دیگر بیان می کند.^۵

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْقَنَاتُ»^۶ سخن چین وارد بهشت نمی شود.

وقاع،^۷ مِسِيَّاح،^۸ مَزْعَى،^۹ مُبْلَغ،^{۱۰} غُرْبَال،^۱ دِيُوب،^۲ دَرَّاج،^۳ حَكِي و بَذُور^۴ نیز به معنای سخن چینی آمده است

۱ - قلم (۶۸)، آیه ۱۱.

۲ - علی اکبر قرشی بنایی، همان، ج ۶، ص ۲۶۰.

۳ - محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۹، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ص ۳۷۱.

۴ - علی اکبر قرشی بنایی، همان، ج ۶، ص ۵.

۵ - مبارک بن محمد ابن اثیر جذری، همان، ج ۴، ص ۱۱.

۶ - محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۲، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۰۷.

۷ - فواد افرام بستانی، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۹۹۲.

۸ - همان، ص ۸۲۲.

۹ - همان، ص ۸۱۳.

۱۰ - همان، ص ۷۷۵.

بخش دوم: ادبیات تحقیق

فصل اول: عوامل نمایی و سخن چینی

فصل دوم: پیامدهای نمایی و سخن چینی

فصل سوم: راهکارهای درمان سخن چینی

۱ - همان، ص ۶۳۹.

۲ - همان، ص ۴۰۳.

۳ - همان، ص ۳۸۸.

۴ - همان، ص ۳۳۹.

۵ - همان، ص ۱۸۰.

بخش دوم: فصل اول

فصل اول: عوامل نامی

۱.۱. احساس حقارت

۱.۲. نفاق و دورویی

۱.۳. حسادت

۱.۴. پر گویی و هرزه گویی

۱.۵. استهزاء و سخریه

۱.۶. دشمنی و کینه

۱.۷. سخن بیهوده

۱.۸. شوخی

۱.۹. سرگرمی

سخن چینی صفت بسیار نکوهیده و نارواست، شخصی که با نمایی و نقل سخن دیگران، رابطه افراد دیگر را به هم زده و کینه و دشمنی میانشان ایجاد می کند از نظر قرآن بسیار گنهگار و مخرب است.

اکنون این سوال مطرح است که علل این گناه بزرگ چیست؟

در پاسخ باید گفت سخن چینی می تواند علل و عوامل متفاوتی داشته باشد که عبارتند از:

۱.۱. احساس حقارت

سخن چینی یکی از بیماری های اخلاقی است و یکی از منشأهای آن احساس حقارت است کسانی که به این خوی زشت مبتلا هستند خودشان یک یا چند عیب طبیعی یا اجتماعی دارند و در باطن احساس خواری می کنند. می خواهند با نشر دادن عیوب دیگران و تحقیر نمودن این و آن، عیوب خود را بپوشانند.

در واقع بعضی افراد بر اثر اخلاق بد و اعمال زشتی که دارند در جامعه بدنام شده اند و مردم آنان را با دیده تحقیر می نگرند. این گروه می توانند خود را اصلاح کنند و عیوبی را که دارند برطرف سازند. ولی به جای خودسازی، دنبال عیوب دیگران می روند، در اخلاق این و آن کاوش می کنند تا برای خود ماندهایی بیابند، آن ها را به رخ مردم بکشند و بدین وسیله از قبح عمل خود بکاهند و قسمتی از بدبینی و تعرض جامعه را به سوی آنان معطوف دارند.^۱

^۱ - محمدتقی فلسفی، خلاصه کتاب اخلاق، حسین سوزنچی، قم: پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۸۶، ص ۹۴.

علی (علیه السلام) فرموده است: «کسانی که دارای عیوب و نقایصی هستند. دوست دارند عیوب مردم را شایع کنند تا عذرشان (برای عیب جویی) توسعه یابد و با احتجاج به عیوب دیگران، اعتراض مردم را نسبت به خود کاهش دهند.»^۱

بعضی دیگر از افراد در طول زندگی به سبب محرومیت ها و شکست های پی در پی دچار احساس حقارت شده اند. به همه چیز و همه کس بدبینند. یأس و نومیدی تمام وجودشان را فرا گرفته و نهان شان مالا مال از خشونت است. با کوچکترین مستمسک برافروخته می شوند از مردم هم جز قبايح و زشتکاری نمی بینند. برای آنکه از رنج درونی خود بکاهند و حقارت خویش را تا اندازه ای جبران نمایند می کوشند تا از دیگران عیبی پیدا کنند و به رخشان بکشند، و موجبات هتک و تحقیرشان را فراهم آورند و آنان را مانند خود ناراحت و تیره روز نمایند.^۲

و گاهی بعضی از افراد حقارتشان معلول سوء تربیت دوران کودکی است اینان در محیط خانواده همواره مورد تحقیر و اهانت بوده و از آغاز، شخصیتشان درهم شکسته شده است. برخی از آنان به فکر می افتند که حقارت درونی خود را با جلب محبت دیگران برطرف نمایند. ابا ندارند که برای جلب توجه دیگران و نفوذ در دل این و آن به پستی تن در دهند. عده دیگری از این گروه بد تربیت شده، برای پنهان ساختن حقارت درونی خود در بزرگسالی منزوی می شوند و عملاً خود را به دست فراموشی می سپارند. بعضی از کسانی که در کودکی بر اثر سوء تربیت دچار عقده حقارت شده اند، در بزرگسالی برای پنهان ساختن ضعف درونی خویش به تفوق طلبی و برتری جویی می گرایند.

ضعیفان تفوق طلب برای اثبات بزرگی خود به تمام وسایل متوسل می شوند. بعضی با تکبر برخورد می کنند و دیگران را غیرقابل اعتنا تلقی می نمایند. کسانی را به باد استهزاء می گیرند و باعث هتک و اهانتشان می شوند. در پاره ای از موارد با افراد تندی و خشونت می کنند و احیاناً ناسزا و دشنامشان

^۱ - محمدبن علی ابن بابویه، ترجمه ثواب الاعمال، محمدعلی مجاهدی، قم: سرور، بی تا، ص ۴۲۱.

^۲ - محمدتقی فلسفی، خلاصه کتاب اخلاق، همان، ص ۹۵-۹۴.

می گویند و بدین وسیله آنان را تحقیر و خود را بزرگ جلوه می دهند. گاهی به صورت راهنمایی خیرخواه و دوراندیش در کارهای دیگران اظهارنظر می کنند تا برتری خود را اثبات نمایند.

عیب جویی از دیگران از جمله وسایلی است که این گروه برای کسب قدرت و برتری به کار می برند. اینان در خفایای امور و اسرار زندگی اشخاص کاوش می کنند و با جست و جو به پاره ای از نقایص و عیوبشان واقف می گردند. سپس اطلاعات خود را با آنان در میان می گذارند و به رسوایی و بدنامی تهدیدشان می کنند تا از این راه برآن ها مسلط گردند و به تسلیم و اطاعت خود وادارشان سازند، و اگر با تهدید به اطاعت تن ندادند، عیوبشان را نشر می دهند، آنان را بین مردم لکه دار می نمایند و موجبات تحقیرشان را فراهم می آورند تا بدین وسیله از طرفی حقارت درونی خود را بپوشانند و از طرف دیگر قدرت و برتری خویش را اثبات نمایند.

عیب جویان می خواهند از حقارت خود بکاهند غافل از آن که با تحقیر مردم بر حقارت و ذلت خویش می افزایند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «خوارترین مردم کسی است که مردم را اهانت کند و باعث تحقیر آنان گردد»^۱ شخصی نزد عمر بن عبدالعزیز آمد و در خلال سخنان از مردی نام برد، او را به بدی یاد کرد و عیبی از وی به زبان آورد. عمر بن عبدالعزیز گفت اگر مایلی پیرامون سخت بررسی و تحقیق می کنم اگر سخت دروغ درآمد، فاسق و گناهکاری. و مشمول این آیه هستی. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا»^۲ ای کسانی که ایمان آورده اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد در باره آن تحقیق کنید.

اما اگر درست هم گفته باشی، عیب جوئی و سخن چینی نموده ای و مشمول این آیه هستی «هَمَّا زِ مَشاءِ بَنِمِمْ»^۳ اگر میل داری تو را می بخشم و مورد عفو قرار می دهم مرد که از گفته خود سخت

^۱ - علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، عزیز الله عطاردی قوچانی، تهران: عطارد، بی تا، ص ۲۱۲.

^۲ - حجرات (۴۹)، آیه ۶.

^۳ - قلم (۶۸)، آیه ۱۱.

پشیمان و منفعل بود با سرافکندگی و ذلت درخواست عفو نمود و متعهد شد که دیگر از کسی عیبجویی نکند، و این عمل ناپسند را تکرار ننماید.

۱.۲. نفاق و دورویی

مراد از نفاق، دورویی و دو زبانی است، به این طریق که در حضور کسی او را مدح و ستایش کنی و اظهار دوستی و نیکو خواهی نمایی، و در غیاب او بر خلاف آن باشی و مذمت او کنی و در صدد اذیت او باشی، یا آن که میان دو نفر که با یکدیگر دشمن اند، آمد و شد نمایی و با هر یک در دشمنی دیگری موافقت کنی و خود را دشمن او وانمود کنی، و او را بر عداوت آن دیگری تحسین کنی، و دشمنی او را در نظرش جلوه دهی، و چنان نمایی که تو هم یاری او کنی. و این صفت یکی از مهلکات عظیمه است.^۱

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر که دورو باشد در دنیا، فردای قیامت او را دو زبان از آتش خواهد بود.»^۲

سخن چین در باطن خود حقارت و ذلت را احساس می کند و برای جبران شکست های درونی و رسیدن به اهداف شوم خود متوسل به این حربه (سخن چینی) می شود، نمونه بارز آن در صدر اسلام وقتی منافقین از مقابل رو در رو با دین اسلام و پیامبر نتیجه ای نمی بردند به وسیله چاپلوسی و نفاق سعی می کردند به اهداف شوم خود برسند که خداوند متعال نفاق آنان را همیشه آشکار می ساخت و شاهد این مطلب آیاتی است که در ذیل به چند مورد اشاره می شود.

^۱ - احمد نراقی، معراج السعاده، قم: بهار دله، ۱۳۸۹، ص ۶۲۴.

^۲ محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، ج ۴، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق، ص

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»^۱ اگر این منافقان مردم باشما (مؤمنان) برای جهاد بیرون می آمدند جز خیانت و مکر در سپاه شما چیزی نمی افزودند و هر چه می توانستند در کار شما اخلال و خرابی می کردند و از هر سو در جستجوی فتنه بر می آمدند و هم در میان لشگر شما از آنان جاسوسهایی وجود دارد و خدا به احوال ظالمان داناست.» از این آیه فهمیده می شود که اگر این منافقان برای جنگ تبوک از شهر خارج می شدند. علاوه بر اینکه به سود مسلمانان عمل نمی کردند بلکه به ضرر آنان وارد عمل می شدند، اولین ضرر آنان این بود که در میان سپاه اسلام روح وحدت را از بین می بردند و باعث فتنه و تفرقه و ایجاد خدشه در میان حقوق مسلمین می گشتند. دوم این که در میان لشکریان تخم شک و تردید و اضطراب می پاشیدند و روحیه آنان را تضعیف می کردند. سوم این که این منافقان برای کفار خبر چینی و جاسوسی می کردند و به منزله ستون پنجم دشمن به شمار می رفتند.^۲

و در آیه دیگر چنین می فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۳ ای فرستاده خدا آن ها در مسیر کفر شتاب می کنند و با زبان می گویند که ایمان آوردیم و قلب آن ها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند او (هم چنین) گروهی از یهودیان که خود به سخنان تو گوش می دهند تا دستاویزی برای تو بیابند، آن ها جاسوسان دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند، آن ها سخنان را از مفهوم اصلیشان تحریف می کنند و به یکدیگر می گویند اگر این

^۱ - توبه (۹)، آیه ۴۹.

^۲ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۳۶.

^۳ - مائده (۵)، آیه ۴۱.

(که ما می خواهیم) به شما داده شد و (محمد طبق خواسته شما داوری کرد) بپذیرید، وگرنه از او دوری کنید.»

بنابراین یکی دیگر از عوامل سخن چینی، نفاق و دورویی است. این خصیصه بیشترین ضربه را می زند. یعنی وانمود می کند در جریان است و با بالایی ها ارتباط دارد و اخبار دست اول را می داند یا آدم مهمی است سبب می شود خیلی از اسرار، چه شخصی و چه مربوط به نظام را باز بگوید.

۱.۳. حسادت

یکی دیگر از عواملی که موجب سخن چینی و غیبت می شود. حسادت است شخص عیب جو وقتی خود را پایین تر و ضعیف تر از دیگران می بیند و در خود توانایی آن را نمی یابد که از دیگران در فضل و کمال پیشی بگیرد، نسبت به آنان حسادت می ورزد و آن گاه با عیب جوئی و غیبت آن ها سعی می کند منزلت آنان را نزد دیگران بکاهد، تا شاید بدین وسیله نزد مردم در نزد مردم ارج و ارزشی بیابد. غافل از اینکه حسد پایه های ایمان را ویران می سازد و شخص را به گناه و عصیان وادار می کند، بسیاری از قتل ها و جنایت ها و نزاع ها و ضرب ها و حق کشی ها، ریشه ای جزء حسد ندارد. حسود گاهی از محسود غیبت و بد گویی می کند، بر او تهمت می زند، برایش سعایت و سخن چینی می نماید، اموالش را تلف می کند و همه این ها گناه و حرام هستند.^۱

همچنین شخص حسود چون نمی تواند دوستی و محبت دیگران را ببیند با سخن چینی آن ها را به جان هم می اندازد و هیزم کش آتش عداوت و دشمنی می شود.^۲

قرآن می فرماید:

^۱ - ابرهیم امینی، آیین تربیت، چاپ شانزدهم، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۴.

^۲ - محمد نوروزی، همان، ص ۴۲.

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ* مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ* وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ* وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ* وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»^۱ بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح. از شر تمام آنچه آفریده است. و از شر هر موجود مزاحمی هنگامی که وارد می‌شود. و از شر آنها که در گره‌ها می‌دمند (و هر تصمیمی را سست می‌کنند). و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد..»

شر وسوسه گرانی که با سخنان و تبلیغات سوء خود اراده، ایمان ها، عقیده ها، محبت ها و پیوند ها را سست می‌کنند.^۲ حسادت به مقام و مرتبه دیگران، عامل بسیار مهمی برای سخن چینی، به ویژه سعایت است. فرد مبتلا برای از بین بردن شأن دیگری به سعایت از او می‌پردازد. دو به هم زنی را می‌توان از موارد فتنه به شمار آورد^۳ که در این صورت بر اساس آیات قرآن کریم، از خون ریزی و قتل شدید تر و بزرگتر خواهد بود، چنان چه خدای متعال می‌فرماید: «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»^۴ فتنه از قتل بدتر و شدیدتر است.

گاه طمع به مال و مقام یا دیگر امور دنیایی، انسان را به اخلاق ناپسندی چون سخن چینی و سعایت از دیگران وا می‌دارد. فرد بیمار می‌کوشد تا با بد گویی از دیگران و نقل گفتار و کردار ایشان مال یا منزلتی برای خویش فراهم سازد.^۵

۱.۴. پرگویی و هرزه گویی

یکی از علل و عواملی که شخص را به نمامی وا می‌دارد بیهوده گویی و پرگویی است ممکن است گاهی اوقات شخص سخن چین هیچ گونه سوء نیتی به طرفین نداشته باشد و تنها انگیزه او پرگویی و

^۱ - سوره فلق (۱۱۳)، آیه ۵.

^۲ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، همان، ج ۲۷، ص ۴۶۲.

^۳ - مجتبی تهرانی، اخلاق الاهی، بهمن شریف زاده، ج ۴، قم: فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۹.

^۴ - بقره (۲)، آیه ۱۹۱.

^۵ - مجتبی تهرانی، همان، ص ۳۱۰-۳۰۹.

مزاح باشد اما ناخود آگاه موجب تیره شدن روابط دوستی بین افراد و گاه موجب قتل و ایجاد فتنه های بزرگ می گردد.^۱

حضرت امیر المومنین علی (علیه السلام) در این خصوص می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَمَا خُلِقَ أَمْرُ عَبَا فَيْلَهُوْ وَ لَا تُرِكَ سُدَى فَيْلَعُو؟^۲ ای مردم از (خشم و حساب) خدا بپرهیزید، که هیچ مردی بدون مصلحت آفریده نشده تا به بازی گراید، و سر خود رها نشده تا به بیهوده گری و یاوه سرایی سرگرم شود.» و نیز حضرت می فرماید: «رُبَّ لَغْوٍ يَجْلِبُ شَرًّا؛^۳ چه بسا سخن لغو و بیهوده ای که به شر کشانده شود.»

سخن بی فایده گفتن و تکلم کردن به چیزی که نه در کار دنیا آید و نه در کار آخرت. اگر چه این حرام نباشد ولی بسیار مذموم است، زیرا که باعث تضییع اوقات (که سرمایه تجارت است) می شود، و آدمی را از ذکر خدا و فکر در صنایع او باز می دارد. و سبب می شود که از یک «لا إله إلا الله» یا «سبحان الله» گفتن قصری از برای آدمی بنا می کنند، یا از فکری، دری از درهای الهیه بر خانه دل گشوده می شود پس چه زیانکاری از این بالاتر که آدمی می تواند گنجی را تحصیل کند، آن را گذاشته و عوض آن کلوخی را بر دارد که از آن هیچ منتفع نتوان شد.

پس هر که ذکر خدا و فکر در عجایب قدرت او را ترک کند و مشغول نقل بی فایده شود هر چند گناه نکرده باشد، ولیکن سود بسیاری از دست او رفته است.

^۱ - مهدی فقیه ایمانی، نقش زبان در سرنوشت انسان، چاپ چهارم، قم: عطر عترة، ۱۳۸۹، ص ۳۸۸.

^۲ محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، محقق فیض الإسلام، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۴۰.

^۳ عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۶۱.

علاوه بر این غالب آن است که چون در سخنان بی فایده گشوده شد، کلام می کشد به حکایت معاصی و دروغ و غیبت و امثال اینها. و از این جهت مذمت بسیار در خصوص آن وارد شده است.^۱

و حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به اباذر می فرمایند: «یا أباذر إنَّ الرجلَ يتكلم بكلمة في المجلس ليضحكهم بها فيهوى في جهنم ما بين السماء والأرض»^۲ آدمی گاه سخنی می گوید و قصد بدی ندارد، جز این که مردم را بخنداند (اما با این کارش) به اندازه ای دورتر از فاصله زمین تا آسمان سقوط می کند. و امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرماید: «كَثْرَةُ الْهَذَرِ تَكْسِبُ الْعَارَ»^۳ بیهوده گویی زیاد، تنگ به بار می آورد. و همچنین در کتاب های اخلاقی، بعد از آفت های کفر آمیز زبان، از هیچ آفتی همچون نمایی، مذمت و نکوهش نشده است. زیرا سخن چینی، هم خیانت به گفته ها و اسرار مردم است، که آن را فاش می کنند و هم ایذا و اذیت مسلمانان، و حتی موجب انگیزش روح بدبینی و دشمنی متقابل خواهد بود.^۴

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «سخن فرزند آدم جز امر به معروف و نهی از منکر و یاد خداوند به زیان اوست نه به سودش»^۵

سخن نسنجیده و بیجا گاهی ناشی از جهل و نادانی است مانند کسی که بدون اطلاع و آگاهی در امور دینی، مالی، پزشکی اظهار نظر می کند. و گاهی از روی عدم صلاحیت شخص از نظر موقعیت زمان، مکان و موقعیت شنونده است. بدیهی است سخن گفتن در هر یک از این موارد، با واکنش های

^۱ - معراج السعادة ، همان، ص ۴۳۹.

^۲ - عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۷۲۷.

^۳ - همان، ص ۲۱۴.

^۴ - مهدی فقیه ایمانی، همان، ص ۳۸۸.

^۵ - علی بن حسن طبرسی، همان، ص ۵۱.

ناهنجاری رو به رو خواهد شد، که اعتبار موقعیت و محبوبیت گوینده را به خطر و گاه جان او را در معرض هلاکت قرار می دهد.^۱

۱.۵. دشمنی و کینه

عداوت و دشمنی بر دو قسم است: زیرا هر که عداوت کسی را در دل دارد، یا آن را در دل پنهان می کند و انتظار زمان فرصت را می کشد، یا علانیه و آشکار درصدد ایذاء و اذیت آن شخصی است که او را دشمن دارد و اظهار عداوت او را می کند.

قسم اول را «حقد و کینه» گویند، که عبارت است از پنهان کردن عداوت شخص در دل. و قسم دوم را «عداوت» نامند، و این ثمره ی قسم اول است، زیرا که چون کینه قوت گرفت و عداوت شدید گردید خزانه ی دل از محافظت آن عاجز، و پرده از روی کار بر می دارد. و قسم اول از ثمرات غیبت است، زیرا که چون آدمی بر دیگران خشم گیرد و به جهت عجز از انتقام یا مصلحتی دیگر آن وقت اظهار غضب نکند و خشم خود را فرو برد و در دل خود را پنهان سازد کینه حاصل می شود. هر یک از این دو قسم از صفات مهلکه و اخلاق رذیله است.

و از اخبار مستفاد می شود که مومن کینه ور نیست. در غالب اوقات صفات مهلکه دیگر نیز از کینه و عداوت متولد می گردد. حسد و غیبت و دروغ و بهتان و شماتت و اظهار غیبت و سخن چینی و دورویی و ایذاء و سخریت و استهزاء و غیر اینها از آفات و اعمال محرمه که دنیا و دین آدمی را فاسد می سازد.

^۱ - مهدی فقیه ایمانی، همان، ص ۳۸۴.

و اگر فرض شود که هیچ یک از این ها حاصل نشود، همان خودِ بغض و عداوت او از امراضی است که نفس قدسی را بیمار، و همیشه روح از آن متالم و در آزار است آدمی از بساط قرب الهی دور و از مراقت ساکنان عالم قدس مهجور می گرداند.^۱

گاهی برای فردی که از برادر مؤمنش خشمگین می شود و آتش غضب در درونش شراره می کشد، امکان پدید آمدن دو حالت وجود دارد: نخست آن که پشت سرش عیوب او را شمرد و از این راه خشم خود را فرونشاند و دیگر اینکه خشم خود را به صورت خشم و کینه و عقده فرو نشاند، هر جا مناسبتی پیش آید عیوبش را به طور مستمر عنوان کند که هر دو حالت از رذایل است.^۲ بنابراین می توان گفت گاهی انسان از روی نفرت و دشمنی سخن چینی می کند و در صدد بد نام کردن دیگری است.^۳

۱.۶. شوخی و تفریح

مزاح و شوخی از اموری است که دانشمندان علم اخلاق آن را با دو نیروی شهوت و غضب مرتبط می دانند به این معنا که گاه از نیروی شهوت و گاه از نیروی غضب سرچشمه می گیرد. گاه هدف از شوخی ابراز کینه ای است که شخص به صورت عادی و با حال جدی نمی تواند آن را بیان کند در نتیجه می کوشد آن را در قالب شوخی نشان دهد.

گاه ممکن است کلمه ها و عبارت هایی که در شوخی به کار می رود. درست و پسندیده باشد، ولی مزاح با لحنی صورت گیرد که موجب آزار و اذیت مخاطب شود. لحن گفتار هم می تواند مانند

^۱ - احمد نراقی، همان، ص ۲۵۳.

^۲ - مجتبی تهرانی، همان، ج ۴، ص ۶۰.

^۳ - همان، ج ۴، ص ۳۰۹.

خود آن، پیامی در برداشته باشد که موجب خرسندی یا ناخرسندی مخاطب داشته شود، ولی گاه شوخی با لحنی عادی صورت می گیرد که ناخرسندی مخاطب را در پی ندارد.^۱

گاهی غیبت جنبه شهوانی و لهوی دارد، مانند آن که شخصی در جمع دوستان، برای شوخی و خنده، نقایص برادر یا خواهر ایمانی خود را یاد آور می شود. این از جمله رفتار های ناپسندی است که در نیروی درونی شهوت ریشه دارد.

گاه انسان برای استهزاء دیگری به غیبت کردن او پرداخته، عیب هایش را فاش می سازد.^۲ بنابراین چه مزاح و شوخی از غضب سرچشمه بگیرد و چه از شهوت، در هر دو حال ممکن است سبب سخن چینی شود و یا حتی گاه انسان برای گذراندن وقت و سرگرمی، به نقل و گفتار و رفتار این و آن می پردازد و سخن چینی می کند.^۳

بی شک چنین آفت زبانی، از روح نفاق، رذالت و فرومایگی است، که انسان سخنی را بشنود و با فاش کردن آن مایه فتنه و تفرقه گردد. علماء اخلاق گاه معتقدند؛ گاهی سخن چینی ناشی از قوه شهویه است که به خاطر تفریح و خوش گذرانی به چنین کار زشتی دست می یابند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به اباذر فرمودند: «یا أباذر إنَّ الرَّجُلَ يَتَكَلَّمُ بِكَلِمَةٍ فِي الْمَجْلِسِ لِيُضْحَكَهُمْ بِهَا فَيَهْوَى فِي جَهَنَّمَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ آدمی گاه سخنی می گوید و قصد بدی ندارد، جزء این که مردم را بخنداند (اما با این کارش) به اندازه دورتر از فاصله زمین تا آسمان سقوط می کند.^۴

^۱ - همان، تلخیص از صص ۲۳۷ - ۲۴۰ - ۲۴۱.

^۲ - مجتبی تهرانی، همان، ج ۴، ص ۶۲ - ۶۱۴.

^۳ - همان، ج ۴، ص ۳۱۰.

^۴ - عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۷۲۷.

بخش دوم: فصل دوم

فصل دوم: پیامدهای تمامی و سخن چینی

۲.۱. پیامدهای دنیوی

۲.۲. پیامدهای اخروی

یکی از آفاتی که از جانب زبان متوجه انسان است و باعث هلاکت او می شود. سخن چینی است. خداوند درباره کسانی که به این مرض کشنده مبتلا هستند می فرماید: «هَمَّازٌ مَشَاءٌ بَنَمِيمٍ * مَنَّاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ * عُتْلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ»^۱ کسی که بسیار عیبجو و سخن چین است. و بسیار مانع کار خیر. و تجاوزگر، و گناهکار است. علاوه بر اینها کینه توز و پرخور و خشن و بدنام است.»

از آنجائی که نَمّامی و سخن چینی یکی از بیماری های اخلاقی بوده و از زشت ترین اعمال به کار می رود، مفسد و زیان های خانمان سوز و مهلکی به دنبال دارد، پیامدهای شوم این صفت رذیله را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

۲.۱. پیامدهای دنیوی

۲.۲. پیامدهای اخروی

حال به برخی از پیامدهای دنیوی این معصیت کبیره اشاره می شود:

۲.۱.۱. عدم استجاب دعا

همه ی ما خیلی دوست داریم وقتی که از درگاه خداوند درخواست و خواهشی در قالب دعا داریم خداوند آن را برآورده کند، اما از طرفی غافلیم شاید عده ای به خاطر غفلت و عیب جوئی ما از ما راضی نباشند در واقع یکی از راه های استجاب دعا کسب رضایت دیگران است و بر اساس روایات زیاد رضایت خداوند از مجرای رضایت مخلوقاتش می گذرد کما اینکه بسیاری از عبادت به خاطر عدم ادای حق الناس روی زمین می ماند و به بالا نمی رود.

^۱ - قلم (۶۸)، آیه ۱۳-۱۱.

در روایت ذیل یکی از موانع اجابت دعا را عیب جوئی می داند. شخصی از حضرت امیرالمومنان

علی (علیه السلام) پرسید:

با وجود اینکه خداوند اجابت دعا را وعده نموده و فرموده:

«أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱ مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم.»

اما هرچه دعا می کنیم، استجابت نمی شود. حضرت فرمودند: از جمله اموری که مانع برآورده شدن دعا می شود آن است که: «أَنْتُمْ جَعَلْتُمْ عُيُوبَ النَّاسِ نُصْبَ أَعْيُنِكُمْ وَ عُيُوبَكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ تَلُمُونَ مَنْ أَنْتُمْ أَحَقُّ بِاللَّوْمِ مِنْهُ فَأَيُّ دُعَاءٍ يُسْتَجَابُ لَكُمْ مَعَ هَذَا وَقَدْ سَدَدْتُمْ أَبْوَابَهُ وَ طُرُقَهُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا أَعْمَالَكُمْ وَ أَخْلَصُوا سَرَائِرَكُمْ»^۲ شما عیوب مردم را در پیش چشم خود قرار داده و لغزش های خود را پشت سر نهان و نمی بینید. کسانی را ملامت و سرزنش می کنید که خود شما مستحق تر از آن ها به سرزنش می باشید چگونه دعایتان پاسخ داده شود در حالی که راه های اجابت دعا را بسته اید پس تقوای الهی پیشه کنید و اعمال خود را اصلاح نموده و قلب خود را خالص گردانید.»

و روایت شده: «در زمان حضرت موسی (علیه السلام) در میان بنی اسرائیل خشکسالی شدید روی داد. حضرت موسی (علیه السلام) برای دعای باران به همراه عده ای دیگر بیرون رفت، ولی هرچه دعا کرد اثری نبخشید و باران نیامد. حضرت در این باره مناجات کرد. از جانب پروردگار به او وحی شد. در میان شما یک نفر هست که زیاد سخن چینی می کند و به خاطر او دعای شما را مستجاب نمی کنم. حضرت موسی (علیه السلام) از خدا خواست تا او را معرفی می کند تا وی را از میان خویش بیرون کنند. خدای متعال فرمود: من شما را از سخن چینی نهی می کنم چگونه او را به شما معرفی کنم و خود

^۱ - غافر (۴۰)، آیه ۶۰.

^۲ حسن بن محمد دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷۰.

مرتکب سخن چینی شوم؟ حضرت موسی (علیه السلام) این مطلب را با قوم خود در میان گذارد. کسی که نمّام بود متنبّه شد و توبه کرد. آنگاه خداوند باران رحمت خود را بر آن ها فرو فرستاد.^۱

۲.۱.۲. قطع رحم

اسلام به یکپارچگی مسلمانان توجه فراوانی دارد و به پایداری آن اهمیت می دهد، پیوندهای روحی و معنوی در این مکتب، ارزش درخور توجّهی دارند. اسلام همان گونه که به پیوندهای جسمی، با عنوان «صله رحم» بسیار توجه کرده و نابود کردن آن را گناهی بزرگ به شمار آورده است، به حفظ و نگهداری از پیوندهای معنوی با عنوان «برادری دینی» نیز بسیار سفارش کرده و نابود کننده ی آن را گناهکار می داند.^۲

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ»^۳ و پیوندهایی را که خدا دستور داده بر قرار سازند قطع می نمایند.»

شاهد دیگر برای این سخن، جمله ای است که در نخستین خطبه نهج البلاغه از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم:

«فبعث فيهم رسله و واتر اليهم انبياءه ليستادوهم ميثاق فطرته؛ خداوند پیامبران خویش را یکی پس از دیگری به سوی مردم فرستاد تا از آنها بخواهند که به پیمان فطری خویش عمل کند.»

^۱ - محمد باقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۱، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق، ص ۵۸.

^۲ - مجتبی تهرانی، همان، ج ۴، ص ۳۱۱.

^۳ - بقره (۲)، آیه ی ۲۷.

انسان ها در واقع پیمان های مختلفی با خدا بسته اند، پیمان توحید و خداشناسی، پیمان عدم تبعیت از شیطان و هوای نفس، فاسقان همه این پیمان ها را شکسته، سر از فرمان حق بر تافته، و از خواسته های دل و شیطان پیروی می کنند.^۱

خداوند تبارک و تعالی در بحث پیوند جسمی، از صله رحم یاد می کند و در بحث پیوند روحی، فساد در زمین را یادآور می شود و چه فساد بالاتر از این که مردم را به جان یکدیگر بیندازند و رابطه ی برادران دینی و خویشاوندان را قطع کنند.

آسیب سخن چینی هنگامی مشخص تر می شود که میان خویشاوندان مومن جدایی افتد، یعنی سخن چینی سبب قطع پیوند روحی و جسمی شود و آن جا که دشمن وارد شود، چه بسا عده ای به جان هم بیفتند و به ناحق خونی ریخته شود با مراجعه به تاریخ، نمونه های بسیاری بر صدق این موضوع یافت می شود.^۲

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «وَإِنَّ مِنْ أَكْبَرِ السَّحْرِ النَّمِيمَةَ يُفَرِّقُ بِهَا بَيْنَ الْمُتَحَابِّينَ وَ يُجْلِبُ الْعَدَاوَةَ عَلَى الْمُتَصَافِيَيْنَ وَ يُسْفِكُ بِهَا الدِّمَاءَ وَ يُهْدِمُ بِهَا الدُّوْرَ وَ يُكْشِفُ بِهَا السُّتُورَ وَ النَّمَامُ أَشْرُ مَنْ وَطِئَ الْأَرْضَ بِقَدَمِ الْخَبَرِ»^۳ بزرگ ترین سحرها سخن چینی است که در میان دوستان جدایی می افکند و دشمنی را میان دل هایی که با محبت و پاک و بدون زنگارند، جلب می کند و خون انسان ها به سبب آن ریخته و خانه هایشان خراب می شود و پرده های می افتد (و پوشیده ها آشکار می شود) و سخن چین، بدترین کسی است که بر زمین گام نهاده است.

^۱ تفسیر نمونه، همان، ج ۱، ص ۱۵۴

^۲ - مجتبی تهرانی، همان، ج ۴، ص ۳۱۲-۳۱۱.

^۳ حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۱.

۲.۱.۳. گسستن پیوند دوستی

آسیب سخن چینی هنگامی مشخص تر می شود که میان دوستان و خویشاوندان مومن جدایی افتد، علاوه بر این بعد از روشن شدن حقیقت فرد تمام دوستان خود را از دست داده و سبب قطع پیوند روحی و جسمی با آن ها می شود.

و امام علی (علیه السلام) در این مورد فرمودند: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ»^۱ ضعیف ترین مردم کسی است که از دوست یابی ناتوان باشد و ناتوان تر از او آن کسی که دوست خود را از دست بدهد.

و در جای دیگر می فرمایند: «فَقَدْ الْأَحِبَّةُ غُرْبَةً»^۲ از دست دادن دوستان غربت است.

شخص تمام نیز با از دست دادن دوستان تنها می ماند و هیچ همدم و مونسى ندارد. و این خود بالاترین غربت است.

و همچنین می فرمایند: «دوست، دوست حقیقی نیست، مگر آنکه دوستی برادر خود را در سه حال ننگه دارد به روزگار رنج و گرفتاری، و به هنگام نبودن و غیبت او، پس از رحلتش»^۳

و با این توصیف معلوم می شود که سخن چین نمی تواند دوست حقیقی باشد و دوستی خود را ننگه دارد.

و در روایت دیگر می فرمایند: «مَنْ سَعَى بِالنَّمِيمَةِ حَارِبُهُ الْقَرِيبُ وَمَقَتَهُ الْبَعِيدُ»^۱ هر کس سخن چینی کند، خویش با او بجنگد و بیگانه دشمنش دارد.

^۱ - علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۲۶.

^۲ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق، ص ۱۰۲.

^۳ - علی بن محمد لیثی واسطی، همان، ص ۵۴۱.

۲.۱.۴. اختلاف و دشمنی

سخن چینی از نظر اجتماعی عواقب بدی را در پی دارد.

در اجتماع موجب دو دستگی، جنگ و جدال در جامعه ی مسلمین می گردد و محبت ها را به بغض و کینه تبدیل می کند با اینکه کیان و عظمت مسلمین وابسته به محبت و همبستگی میان آنان است.^۲

این الفت تا آنجا مهم است که خداوند آن را یکی از نعمت های بزرگ خود می داند و مردم را متذکر می کند که آن را از یاد نبرند، قرآن کریم می فرماید:

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^۳ و همگی به ريسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسيله ارتباط ديگر) چنگ زنيد و پراکنده نشويد، و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود بياد آريد که چگونه دشمن يکديگر بوديد و او در ميان دلهاي شما الفت ايجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شديد، و شما بر لب حفره‌اي از آتش بوديد، خدا شما را از آنجا برگرفت (و نجات داد) اين چنين خداوند آيات خود را براي شما آشکار مي‌سازد شايد هدايت شويد.»

به هر حال با توجه به اينکه وحدت و الفت و محبت و همبستگي اجتماع از نعمت هاي پروردگار است و سخن چين با عمل خود اين نعمت الهي را تبديل به نقيمت مي کند و صلح و صفا و محبت را از بين مردم برمي دارد. اين خود گناهي است بس عظيم. از اين رو گفته اند: نمای از غيبت بدتر است

^۱ عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۳۷.

^۲ - محمدرضا مهدوی کنی، همان، ص ۲۸۰.

^۳ - آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

چرا که درباره ی غیبت گفته اند از زنا بدتر است ولی در مورد نمایی آمده است که نمام ولد زنا است و این بیان کننده ی عظمت این گناه می باشد.^۱

۲.۱.۵. فتنه

قرآن کریم می فرماید: «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»^۲ و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است!»

و در جای دیگر فرموده اند: «الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ»^۳ و ایجاد فتنه، حتی از قتل بالاتر است.»

روشن است که چه کسی بیش تر و شدیدتر آتش اختلاف بین دو نفر مسلمان را شعله ور می کند و اساس جدایی و تفرقه و فتنه و آشوب بین مردم را فراهم می سازد. به این دلیل، نمامی و سخن چین از مصادیق بارز این آیات به شمار می روند، چنانچه شیخ انصاری در کتاب «مکاسب محرمة» تصریح می کند که این آیات بر مذمت سخن چین و نکوهش آن دلالت می کند.^۴

از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده است: «که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به ابوذر فرمود می خواهید شما را از بدترین افرادتان خبر دهم؟ عرض کردند چرا یا رسول الله؟ فرمود آنها که برای سخن چینی به هر سو می روند و میان دوستان جدائی و دشمنی می افکنند و برای مردمان پاک و بی آلایش دنبال نکوهش می دوند و عیب می تراشند.»^۵

^۱ - محمدرضا مهدوی کنی، همان، ص ۲۸۰.

^۲ - بقره (۲)، آیه ی ۱۹۱.

^۳ - بقره (۲)، آیه ی ۲۱۷.

^۴ - محمدرضا مهدوی کنی، ص ۲۵۶-۲۵۵.

^۵ - ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ترجمه کمره ای، ج ۱، تهران: کتابچی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۷۹.

معلوم نیست که اگر کسانی از این طریق به کسی یا خانواده ای آسیب برسانند، آمرزیده شوند، زیرا حق الناس است که به سادگی قابل بخشش نیست. این افراد از بدترین خلق الله هستند. زندگی بسیاری بر اثر سخن چینی، فتنه گری و خبرکشی به ویژه به صورت نامه های بی امضاء و تلفن های ناشناسی، از هم پاشیده شده و کودکان بسیاری بی پدر و مادر شده اند که بار گناه آن برعهده ی فتنه گران نمآید است. زیرا ایجاد فتنه و دعوا میان مومنان، فامیل ها، زن و شوهر و هر انسان دیگر، عامل ورود خسارت های فراوان و گاهی جبران ناپذیر در دنیا و آخرت به انسان ها می گردد. بنابراین این نمآید و فتنه گر، گناهکار و مجرم است و به مظالم العباد نیز گرفتار می شود.

و حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «بِئْسَ السَّعْيُ التَّفْرِقَةُ بَيْنَ الْأَلْيَفَيْنِ»^۱ بدکاری است جدایی افکندن میان دو یار و همدم.

۲.۱.۶. رسوایی

سخن چین به دنبال عیب ها و نقص های مردم می رود تا ابزار لازم برای رفتار زشت خود را فراهم آورد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) پس از آن که سخن چینان را به تفرقه اندازی وصف می کند^۲ می فرماید:

«الباغون للبراء المعایب؛^۳ کسانی که در جست و جوی عیب های خوبان و صالحان هستند.»

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَخْلُصِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَذْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَتَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ فِي بَيْتِهِ»^۴

^۱ - عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۱۹.

^۲ - مجتبی تهرانی، همان، ج ۴، ص ۳۱۲.

^۳ - محمد صالح مازندرانی، شرح الکافی، ج ۱۰، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ق، ص ۲۴.

^۴ - محمد بن محمد مفید، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمي لآلئفة الشيخ المفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۲۵.

ای کسانی که به زبان اسلام آورده اید، ولی ایمان در دل شما خالص نشده! مسلمانان را نکوهش، و عیوب پنهان ایشان را دنبال نکنید. همانا کسی که در جست و جوی عیوب مسلمانان باشد، خداوند به دنبال عیب او خواهد بود و هرکس خداوند در پی عیبش باشد، او را در خانه خودش رسوا می سازد.»
و همچنین ایشان فرموده اند: «هرکس در پی لغزشی از مومنی عیبجوئی کند و به او «سرکوفت» بزند، نمی میرد تا همان گناه را خود مرتکب شود!»^۱

۲.۱.۷. سلب اعتماد از وی

مردم سخن چین را امانت دار ندانسته، از سخن گفتن نزد او می پرهیزند. زیرا بیم و هراس مردم از نقل رفتار و گفتارشان نزد دیگران، موجب بی اعتمادی آن ها به سخن چین می شود.^۲

امیرالمومنان علی (علیه السلام) می فرماید: «لَا تَجْتَمِعُ أَمَانَةٌ وَ نَمِيمَةٌ»^۳ امانت با سخن چینی جمع نمی شود.

سلب اعتماد از سخن چین، موجب فاصله گرفتن مردم از او می شود چنانکه امیرالمومنان علی (علیه السلام) می فرماید:

«إِيَّاكَ وَ النَّمِيمَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ الضَّغِينَةَ وَ تُبْعِدُ عَنِ اللَّهِ وَ النَّاسِ»^۴ از سخن چینی بپرهیزد که موجب دور ساختن از خدا و مردم می شود.

گویند: مردی به نزد بزرگی از دوستش سخن چینی نمود وی به او گفت سه عمل زشت با این کار نمودی.

^۱ - حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳، ص ۴۷.

^۲ - مجتبی تهرانی، همان، ج ۴، ص ۳۱۲.

^۳ - علی بن محمد لیثی واسطی، همان، ص ۵۳۳.

^۴ - همان، ص ۹۶.

اول اینکه: بر تو اعتماد کرده بودم با این عمل اعتمادم از جانب تو برفت.

دوم اینکه: سخن دوست من گفتم و وی را در نزد من متهم نمودی.

سوم اینکه: فارغ و آسوده بودم مشغولم نمودی و از آرامشم بازداشتی.

بنابراین سخن چینی هم از نظر فردی و هم اجتماعی پیامدها و عواقب بدی دارد. از نظر فردی روح و روان و دل انسان را تاریک کرده و شخصیت او را از بین می برد.^۱

۲.۲. پیامدهای اخروی

۲.۲.۱. عذاب قبر

اگر کسی اصلاح نشده از دنیا برود خدا می داند در چه حال خواهد بود حالتی که ادراکات اهل دنیا از شنیدن و دیدن آن ناتوان است ظلمت و وحشت و فشار قبر، بسیار هراسناک عذاب قبر، که نمونه ای از عذاب قیامت است و طبق بعضی روایات، دست ما از دامن شفیعان هم کوتاه است. خدا می داند چه عذابی است! و وحشتناک تر از آن روز قیامت است آن روز، روبه رو شدن با حقایق، کشف اعمال و اخلاق و روز حساب و روز مواخذه است. اما حال جهنم که بعد از قیامت است معلوم است عذاب جهنم فقط آتش آن نیست، دری هولناک از جهنم به روی چشم و گوش و بینی باز می شود که اگر هر

^۱ - محمدرضا مهدوی کنی، همان، ص ۲۸۰.

یک از این درها به این عالم باز شود همه هلاک می شوند.^۱ امیرالمومنان علی (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ مِنَ النَّمِيمَةِ وَالْغَيْبَةِ وَالْكَذِبِ»^۲ عذاب قبر به خاطر سخن چینی و غیبت و دروغ است.

و نیز رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «يَا عَلِيُّ احْذَرِ الْغَيْبَةَ وَالنَّمِيمَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ تُفْطِرُ وَالنَّمِيمَةَ تُوجِبُ عَذَابَ الْقَبْرِ»^۳ ای علی! از غیبت و سخن چینی حذر کن، زیرا غیبت مضطر است و سخن چینی موجب عذاب قبر می شود.

و در خطبه ای از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) رسیده است که: «آن کس که برای سخن چینی میان دو نفر قدم بردارد، خداوند در قبر آتشی بر او مسلط می کند تا روز قیامت او را بسوزاند و همین که از قبر خارج شود، پروردگار مار سیاهی را به جان او می اندازد که گوشتش را ببلعد تا اینکه وارد آتش گردد.»

پس دقت در مرگ و قبر و قیامت باعث کم شدن این صفت رذیله می شود. بنابراین کسی که آغازش از عدم است و از وقتی پا به عرصه وجود گذاشته، همه ی حالاتش زشت و فجیح و خجالت آور و دنیا و برزخ و آخرتش هر یک از دیگری فجیع تر و رسواتر است به چه چیز می نازد و به کدام کمال و جمال می بالد؟^۴

۲.۲.۲. عدم ورود به بهشت

^۱ - جواد محدثی، همان، ص ۵۳.

^۲ - حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۲۱.

^۳ - محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار، همان، ج ۷۴، ص ۶۷.

^۴ - جواد محدثی، همان، ص ۵۳.

در روایات متعددی به این مطلب تصریح شده است که سخن چین و کسی که برای به هم زدن وحدت قدم برمی دارد، و عامل تفرقه و جدایی بین مسلمین می شود. اهل بهشت نیست.^۱

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْقَتَاتَيْنِ الْمَشَائِينَ بِالنَّمِيمَةِ»^۲ بهشت بر غیبت کنندگان و سخن چینان حرام است.»

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «قَات (سخن چین) وارد بهشت نمی شود.»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «أَرْبَعَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ الْكَاهِنُ وَالْمُنَافِقُ وَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَالْقَتَاتُ وَ هُوَ النَّمَامُ»^۳ چهار کس از رفتن به بهشت محرومند: کاهن، منافق، دائم الخمر و سخن چین.»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «سه کس به بهشت نروند خونریز و شرابخوار و کسی که رفتارش سخن چینی است.»^۴

۲.۲.۳. مسخ در محشر

بسیاری از گناهکاران در صحرای محشر با چهره ی واقعی رفتار خویش برانگیخته می شوند و در این میان، سخن چینان به سبب نوع خاص رفتار خود، به صورت یکی از حیوانات محشور می شوند.

^۱ - نعمت الله بن عبد الله جزائری، قصص الأنبياء، تهران: انتشارات فرحان، ۱۳۸۱ ش، ص ۶۸۵.

^۲ - فخر الدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۱۴.

^۳ - محمد بن علی ابن بابویه، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۰۴.

^۴ - محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، ترجمه فهری، ج ۱، تهران: علمیه اسلامی، بی تا، ص ۱۹۷.

معاذبن جبل (از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)) در منزل ابویوب انصاری نزدیک پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نشست. معاذ عرض کرد: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)! نظر شما درباره ی این آیه که می فرماید:

«يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا» چیست؟ رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: ای معاذ! مطلب بزرگی را پرسیدی، (آنگاه اشک از چشمانش جاری شد و فرمود:) ده صنف از امت من پراکنده محشور می شوند و خداوند آنان را از دیگر مسلمانان جدا، و چهره هایشان را مسخ می کند. برخی از آنان به صورت میمون، برخی به صورت ... آنان که به صورت میمون محشور می شوند، سخن چینانند ...»^۱

و در روایت دیگری آمده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «شبی که مرا به معراج بردند زنی را در آن جا دیدم که سرش مانند سر خوک و بدنش مانند بدن الاغ بود و گرفتار هزار هزار نوع عذاب بود. سوال شد: آن زن چه عملی انجام داده است؟ فرمود: او زنی سخن چین و دروغ پرداز بوده است.»^۲

۲.۲.۴. دوری از رحمت الهی

قرآن کریم می فرماید: «وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»^۳ و پیوندهایی را که خدا دستور برقراری آن را داده قطع می کنند. و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست و بدی (و مجازات) سرای آخرت!»

^۱ - هاشم بحرانی، البرهان، ج ۵، تهران: بعثت، ۱۴۱۶، ص ۵۶۷.

^۲ - همان.

^۳ - رعد (۱۳)، آیه ۲۵.

از آنجا که نیک و بد همواره با مقایسه یکدیگر به خوبی روشن می‌گردد پس از ذکر صفات اولوا الالباب و حق‌طلبان که در آیات گذشته مشروحا آمد، در قسمتی از آیات مورد بحث، بخشی از صفات اصلی مفسدان و آنها که عقل و اندیشه واقعی خود را از دست داده‌اند بیان می‌دارد، و می‌گوید: و آنها که عهد الهی را بعد از محکم کردن می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا فرمان به برقراری آن داده، قطع می‌کنند، و در روی زمین افساد می‌نمایند، لعنت و مجازات سرای دیگر از آنهاست. و در حقیقت تمام مفاسد عقیدتی و علمی آنها در سه جمله فوق، خلاصه شده است:

شکستن پیمانهای الهی که شامل پیمانهای فطری، و پیمانهای عقلی، و پیمانهای تشریعی می‌شوند قطع رابطه‌ها: رابطه با خدا، رابطه با رهبران الهی، رابطه با خلق، و رابطه با خویشان. آخرین قسمت که ثمره دو قسمت قبل است، فساد در روی زمین است.^۱ بدیهی است سخن چینی و کسی که سخنی را از کسی درباره ی فردی می‌شنود و آن را برای فرد نقل می‌کند، مسلماً قطع کرده آنچه خداوند امر به وصل آن فرموده و در زمین فساد کرده است زیرا به جای آن که بین مردم الفت و محبت ایجاد کند و اتحادشان را محکم سازد، نفرت و تفرقه و دشمنی افکنده است. پس او مستحق لعنت خدا و عذاب آخرت است.^۲

۲.۲.۵. عذاب آخرت

رفتار زشت سخن‌چین، موجب خشم خداوند می‌شود و او را گرفتار عذاب الهی می‌سازد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در وصیت به ابوذر غفاری (رضی الله عنه) فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ، صَاحِبُ النَّمِيمَةِ لَا يَسْتَرِيحُ مِنْ

^۱ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۱۰، ص ۱۹۹-۱۹۸.

^۲ - محمد نوروزی، همان، ص ۲۵۵.

عَذَابِ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) فِي الْآخِرَةِ.^۱ ای اباذرا! سخن چین در قیامت از عذاب خداوند راحت نخواهد شد.»

قرآن مجید به کسانی که با نمایی و سخن چینی کینه و عداوت را میان مردم برمی افروزند هشدار می دهد و آنان را به عذاب دوزخ تهدید می کند، چنان که درباره ی یکی از همسران ابی لهب (ام جمیل)^۲ می فرماید: «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ»^۳ و همچنین همسرش در حالی که هیزم به دوش می کشد.» و در تفسیر قمی در ذیل آیه «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ» روایت کرده که امام فرمود: ام جمیل دختر صخر بود، و علیه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) سخن چینی می کرد و احادیث و سخنان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را برای کفار می برد.^۴

چنان چه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود:

«ای علی! از غیبت و سخن چینی بر حذر باش؛ زیرا غیبت روزه را می شکند و سخن چینی سبب عذاب قبر می شود.»^۵

بنابراین سخن چینی، از نظر فردی و اجتماعی آثار و عواقب بدی دارد. از نظر فردی، روح و روان و دل انسان را تاریک می کند و شخصیت او را از بین می برد و از نظر اجتماعی، موجب دودستگی

^۱ - محمد بن الحسن طوسی، الأمالی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۷.

^۲ او و همسرش «ام جمیل» که خواهر ابو سفیان بود از سخت ترین و بدزبان ترین دشمنان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بودند. (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.)

^۳ - مسد (۱۱۱)، آیه ی ۴.

^۴ - محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۲۰، ص ۶۶۸.

^۵ - حسن بن علی ابن شعبه، تحف العقول، حسن زاده، قم: انتشارات آل علی (علیه السلام)، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۵.

و جنگ و جدال در جامعه ی اسلامی می شود و محبت ها را به بغض و کینه تبدیل می کند؛ با این که
کیان و عظمت مسلمانان وابسته به محبت و همبستگی میان آنان است.

و این الفت تا آن جا مهم است که خداوند آن را یکی از نعمت های بزرگ خود می داند، آن جا که
می فرماید:

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ
قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همگی به ريسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسيله ارتباط ديگر) چنگ زنيد و
پراکنده نشويد، و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود بياد آريد که چگونه دشمن يکديگر بوديد و او در
ميان دلهاي شما الفت ايجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شديد، و شما بر لب حفره اي از آتش
بوديد، خدا شما را از آنجا برگرفت (و نجات داد) اين چنين خداوند آيات خود را براي شما آشکار
می سازد شايد هدايت شويد.»

با توجه به اين که وحدت، الفت، محبت و همبستگی در اجتماع از نعمت های پروردگار است و
سخن چين با عمل خود اين نعمت الهی را تبديل به نقيمت می کند و صلح و صفا و محبت را از بين می
برد، از اين رو، گفته اند: «نمايی از غيبت بدتر است؛ زیرا که درباره غيبت آمده است:» از زنا بدتر
است، ولی درباره ی نمايی آمده است: «نمايی ولد الزناست» و اين بيان کننده ی عظمت اين گناه
است.

پیشهادات

بعد از اینکه این حقیر در صدد تحقیق به این موضوع پرداختم به این نتیجه رسیدم که سخن چینی یک موضوعی است که تمام افراد جامعه به طور ناخواسته به صورت های مختلف با آن روبه رو هستند با این که خود سخن چینی می کنند یا با سخن چینی برخورد دارند لذا برای محققینی که می خواهند در مورد این موضوع تحقیق کنند پیشنهاد می کنم که طبق آیات و روایاتی که به دست می آورند آن را با موضوعات و حوادث روزی که در جامعه کنونی و یا در تاریخ اتفاق افتاده تطبیق بدهند و گزارشاتی که مربوط به سخن چینی است در تحقیق خود بیاورند تا دیگران بیشترین خطری که در جامعه است آگاهانه برخورد کنند و از تجربیات آن ها درس عبرت بگیرند

نتیجه گیری

یکی از صفاتی که غالباً همراه انسان است و به صورت نامحسوس، در بسیاری از انگیزه ها و رفتارهای او تأثیر می گذارد، سخن چینی است. لذا انسان سخن چین به سادگی نمی تواند به حضور آن در وجود خود پی ببرد.

بنابراین تکبر یعنی خود را بزرگ پنداشتن و بزرگ پوشالی خود را دوست داشتن، و برای حفظ آن، با خوبی ها و خوبان عالم جنگیدن، و بزرگ تر از خود را تحمل نکردن، تکبر داشتن یکی از این موارد یا همه ی این موارد است.

صفت کبر از جهل انسان به حقایق عالم سرچشمه می گیرد که آثار ظلمانی ناگواری هم در این عالم و هم در عالم بعد از مرگ دارد. پس باید ترسید از عاقبت ناگوار متکبر در این دنیا و عالم آخرت، زیرا که این خصلت دام بزرگ و نیرنگ عظیم شیطان است که همانند زهرهای کشنده در دل های مردم فرو می روند و هرگز چیزی مانع نفوذ آن ها نمی شود و هیچ کس از آن ها در امان نیست.

بنابراین کسی که حقیقت جانش را گرفته و می خواهد آن را حفظ کند باید تکبر و استکبار در برابر حق را از خود دور کند و به راه های نفوذ این حالت توجه داشته باشد و اجازه ندهد که تکبر در آن نفوذ کند و اگر احياناً تکبر در درون آن نفوذ کرد، باید راهکارهایی را که اولیای الهی بیان کردند با دقت به کار بندد و بدین ترتیب تکبر را از خود دور کند تا از خطرات و عواقب سوء آن محفوظ ماند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۴.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

کتاب فارسی

۳. ابن اثیر جذری، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، محمود محمد طناحی، چاپ چهارم، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۵. ----- ، ترجمه ثواب الاعمال، محمدعلی مجاهدی، قم: سرور، بی تا.
۶. ----- ، الخصال، ترجمه کمره‌ای، تهران: کتابچی، ۱۳۷۷ ش.
۷. ----- ، الخصال، ترجمه فهری، تهران: علمیه اسلامی، بی تا.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۹. احمدی زین العابدین، و حسنعلی احمدی، زبان کلید بهشت و جهنم، چاپ چهارم، قم: میثم تمار، ۱۳۸۷.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الأئمه، هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۱۱. امینی، ابرهیم، آیین تربیت، چاپ شانزدهم، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۲. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. بحرانی، هاشم، البرهان، تهران: بعثت، ۱۴۱۶.

۱۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.

۱۵. تهرانی، مجتبی، اخلاق الاهی، بهمن شریف زاده، قم: فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۶. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، قصص الأنبياء، تهران: انتشارات فرحان، ۱۳۸۱ ش.

۱۷. حرعاملی، محمد بن حسن، جهاد با نفس، غلامرضا تمامی، تهران: بقیه الله (عج)، ۱۳۸۹.

۱۸. حسینی زبیدی و محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

۱۹. خادم الذاکرین، اکبر، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، بازنویسی اکبر خادم، قم: نسل جوان، ۱۳۸۵.

۲۰. دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۳.

۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.

۲۲. شبر، عبدالله، اخلاق، محمدرضا جباران، چاپ هشتم، قم: هجرت، ۱۳۸۱.

۲۳. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

۲۴. طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الانوار، عزیز الله عطاردی قوچانی، تهران: عطارد، بی تا.

۲۵. فقیه ایمانی، مهدی، نقش زبان در سرنوشت انسان، چاپ چهارم، قم: عطر عترة، ۱۳۸۹.

۲۶. فلسفی، محمدتقی، خلاصه کتاب اخلاق، حسین سوزنچی، قم: پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۸۶.

۲۷. -----، گفتارهای مرحوم استاد فلسفی، تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹.

۲۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء فارسی، راه روشن، ترجمه صادق عارف، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۳۸۱.

۲۹. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- ق.
۳۱. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۳۲. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲ ق.
۳۳. مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، رضا ستوده، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۳۴. محمدی جزی، حسنعلی، قله های ایمان، اصفهان: اقیانوس معرفت، ۱۳۸۷.
۳۵. معلوف، لوئیس، فرهنگ بزرگ جامع نوین، احمد سیاح، چاپ هفتم، تهران: اسلام، ۱۳۸۷.
۳۶. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، بی تا.
۳۷. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۸. نراقی، احمد، معراج السعاده، قم: بهار دلها، ۱۳۸۹.
۳۹. نوروزی، محمد، آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۴۰. هاشمی، سعید، ۳۱۳ گزاره اخلاقی - عرفانی، بی جا: بی تا، ص ۷۴.

کتاب عربی

۴۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۴۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳.
۴۳. افراهم بستانی، فواد، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۴۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۴۵. بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعہ، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ش.

٤٦. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دار الکتاب
الإسلامی، ١٤١٠ ق.

٤٧. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام)،
١٤٠٨ ق.

٤٨. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل
البيت (عليهم السلام)، ١٤٠٩ ق.

٤٩. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ١٤٢١ ق.

٥٠. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریة، بی تا.

٥١. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ١٣٧٥ ش.

٥٢. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، قم: دار الثقافة، ١٤١٤ ق.

٥٣. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ١٤٠٧
ق.

٥٤. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی
(علیه السلام)، ١٤٠٦ ق.

٥٥. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران: دار الکتب
الإسلامیة، ١٤٠٤ ق.

٥٦. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، قم: المؤتمر العالمی لآلئیة الشیخ المفید، ١٤١٣ ق.

٥٧. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت عليهم
السلام، ١٤٠٨ ق.

نرم افزارها

- ۵۸. نرم افزار جامع تفاسیر ۲، تولید کننده مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ۵۹. نرم افزار جامع الاحادیث، تولید کننده مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ۶۰. نرم افزار مثنوی معنوی، تولید کننده مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.